

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: الکسی بلوف (ALEXEY BELOV)

برگردان: ا. م. شیری

۲۹ مارچ ۲۰۲۴

## واشنگتن و لندن نویسندگان سناریوهای اقدامات تروریستی



### چه کسی و چرا به کشتار مردم در کروکوس نیاز داشت؟

پس از حادثه روز جمعه، پنهان کردن احساسات طبیعتاً دشوار است. در غیر این صورت درک معنای آنچه رخ داد و دلایلی که دشمنان ما به انجام چنین اقدام وحشتناکی تصمیم گرفتند، کاملاً غیرممکن خواهد بود. فقط با خونسردی می‌توان به شناسایی اهداف کارگردانان این کابوس خونین، کارگردانانی که اثری از ترحم یا احساسات در آن‌ها یافت نمی‌شود و فقط بر اساس اصل سود یا زیان خود تصمیم می‌گیرند، موفق شد.

از بدیهیات شروع می‌کنیم. حتی بر اساس اولین اعتراف تروریست‌های بازداشت شده، واضح است که طرح استخدام آن‌ها با کوچکترین جزئیات همان طرحی است که در آماده‌سازی برای قتل ماکسیم فومین (ولادین تاتارسکی) و همچنین برای متقاعد کردن ده‌ها نفر از ما استفاده شد. شهروندان مورد نظر در انتخابات اخیر ریاست جمهوری روسیه عمداً به برگه‌های سبز رنگ رأی خدشه وارد می‌کردند.

پول، اخاذی، متارکه و ارباب خطوط آشنای به اصطلاح «مراکز تماس» هستند که از مدت‌ها پیش به امر عادی در اوکراین تبدیل شده است. یک برنامه اثبات شده که در نهایت «مشتری» را به چنان زامبی تبدیل می‌کند که حتی نمی‌تواند بروشنی توضیح دهد که چگونه به این دام افتاده است.

برای ترور ولادلن به تریپووا علاوه بر وعده پول، یک نیم تنه پر از مواد منفجره «هدیه» می‌شود و همزمان او را متقاعد می‌کنند که کار بزرگی انجام می‌دهد. به «آفات سبز» قول تسویه بدهی‌هایشان داده می‌شود یا با بدهی‌های جدید تهدید می‌شوند. به گفته یکی از قاتلان در کروکوس، به او ۵۰۰ هزار روبل وعده داده شد تا «فقط به مردم شلیک کند». جالب است که با نیم میلیون روبل بدبخت، نه می‌توان صاحب منزل شد نه حتی خودرو! اما به «ازای» آن، جان چندین ده انسان را می‌توان گرفت. اصلاً این چطور ممکن است؟

و این همان عصب‌شناسی زبان یا همان عصب- زبان‌شناسی است که برخی وجود آن را در حالی سرسختانه منکر می‌شوند که برخی دیگر با تمام توان از آن استفاده می‌کنند و این هم آنچه که الکسی چادایف، فیلسوف و دانشمند علوم سیاسی در این باره می‌نویسد:

«در هر اتفاقی که در باره انتخاب می‌افتد، فقط یک نکته واقعاً نگران‌کننده برای من وجود دارد. این توانایی دشمن ما – نه برای اولین بار، بلکه برای اولین بار در مقیاس نسبتاً گسترده برای تبدیل مردم به هواپیماهای انتحاری بی‌سرنشین با ترفندهای دستکاری شعور است که بارها ثابت شده و برای برخی‌ها ساده، برای برخی دیگر پیچیده‌تر است. در همه حال، ماهیت آن یکسان است...».

او در ادامه می‌نویسد:

«هیچ تفاوتی بین واعظی که از طریق اینترنت به داشا تیکوکا آموزش داد که از روس‌های طرفدار پوتین متنفر باشند یا واعظی که از طریق اینترنت به روشن جمشیداوف نفرت از کافران را القاء کرد و همچنین، یک کارمند مرکز تماس که نحوه تسویه بدهی‌ها را با استفاده از یک لوله سبز نورانی آموزش داد، وجود ندارد. در هر سه مورد، شخصیت اصلی حتی آن‌ها نیستند، بلکه کسی است که برای واعظ و کارمند مرکز تماس فیلمنامه می‌نویسد».

تصور می‌کنم فقط موارد فوق کافی است تا برای همیشه از شک و تردید در مورد ردپای اوکراینی در این مورد خلاص شویم. تمایل قاتلان برای پنهان شدن در اوکراین نشانه قوی‌تر شباهت دستخط تروریست‌هاست. این تنها نزدیکترین نقطه در روی نقشه به مسکو است، که آن‌ها مطمئن بودند دستگیر خواهند شد.

البته خود رژیم کثیف دخالت خود در این حمله تروریستی را قویاً رد می‌کند. اما این هنوز طبق عادت است. آن‌ها در ابتداء ترور داریا دوگینا و انفجار در پل کریمه را نیز تکذیب کردند اما پس از مدتی با غرور آشکار در باره «شاهکارهای» خود سخن گفتند.

اما من شخصاً به خود «نویسندگان فیلمنامه‌ها» بسیار علاقه‌مندم. این یک راز نیست که مراکز تماس مذکور در مجاورت یا حتی مستقیماً زیر سقف اداره اطلاعات اصلی منطقه مسکو و تشکیلات امنیتی اوکراین – سازمان‌های تروریستی اوکراینی که عملاً تابع مستقیم سازمان‌های اطلاعاتی غربی هستند، فعالیت می‌کنند. در مورد وابستگی اداره کل اطلاعات وزارت دفاع اوکراین و بودانوف، رئیس آن به ام‌ای-۶، در واقع، مدت‌هاست که هیچ کس تردید نمی‌کند. یرماک، رئیس دفتر رئیس جمهور اوکراین و خود زلنسکی افرادی هستند که ارتباط نزدیکتری نسبت به بودانوف با اطلاعات انگلیس دارند. به طور کلی، این راز برملا شده است.

به هر حال، من به خاطر دارم که بودانوف، یک بار در مورد دخالت بخش خود در حملات تروریستی پر هیاهو در روسیه اظهار نظر می‌کرد، گفت که او روس‌ها را کشته است و به کشتن آن‌ها فارغ از این که کجا باشند، ادامه خواهد داد.

البته، هیچ کس در اوکراین بدون اجازه مستقیم «رهبری عالی» جرأت انجام یک حمله تروریستی در مقیاس بزرگ مانند حمله روز جمعه را نداشت. بنابراین، بر این باورم که اشتباه نخواهد بود هر گاه قبول کنیم چنین دستوری صادر

شده است. علاوه بر این، به گمانم این امر صرفاً تأیید ساده برخی ابتکارات از پائین نبود، بلکه یک دستور مستقیم از بالاتر بود.

چرا چنین فکر می‌کنم؟ حداقل به این دلیل، که به عنوان یک قاعده، رژیم کیفی از آنجایی که عمدتاً طبق الگوی جنگ اطلاعاتی عمل می‌کند و در شرایطی که به قطع روند منفی ناشی از شکست‌های نظامی بزرگ یا شکست‌های جدی دیپلماتیک نیاز دارد، به اقدامات پر سر و صدا دست می‌زند. اما در چند هفته اخیر چنین اتفاقی نیفتاده است. حتی تجمع حامیان تروریسم اوکراین در قالب رامشتاین (فکر می‌کنم همین الان می‌توانیم از آن‌ها نام ببریم)، که از هر جهت شکست خورده بود، به یک غلغله بزرگ تبدیل نشد - همه در اوکراین از قبل برای این واقعیت آماده بودند که به هیچ نتیجه‌ای ختم نمی‌شود. بنابراین «گسست» اتفاق نیفتاد.

**و با این حال، «رامشتاین» با فاجعه کراسناگورسک رابطه مستقیم دارد. زیرا به عنوان یک طرف، به سازماندهی یک کشتار خونین در منطقه مسکو نیاز داشت.**

توضیح می‌دهم. بر اساس بیانیه اولگا استفانیشینا، وزیر اوکراین در امور همگرایی با اروپا و یورو-آتلانتیک، اوکراین در ماه‌های جنوری و فبروری سال جاری فقط ۱۰ درصد از کمک‌های مالی برنامه‌ریزی شده را از غرب دریافت کرد و از تسلیحاتی که قبلاً در چارچوب همان «رامشتاین» وعده داده شده بود، هیچ چیزی دریافت نکرد. پس از جلسه ۱۹ مارچ، مشخص شد که اوضاع بدتر خواهد شد. بسیاری از نشریات غربی مقالاتی مبنی بر این منتشر کرده‌اند که غرب عملاً آماده است تا اوکراین را در خود «ادغام» کند و در حال حاضر بحث فقط بر سر این است که این کار چه زمانی و چگونه انجام خواهد شد.

منابع اوکراینی و خارجی، با تجزیه و تحلیل رویدادهای نقاط کور، پیش‌بینی می‌کنند که سال ۲۰۲۴ سال تلفات ارضی قابل توجهی برای رژیم کیفی خواهد بود. جنگ شکست خورده و سرمایه‌گذاری بیشتر در آن هیچ فایده‌ای ندارد. شواهد غیرمستقیم حاکی از این است که امریکا به عنوان ذینفع اصلی این درگیری، با از دست دادن دارایی اوکراین کنار آمده، ممکن است اخراج اخیر ویکتوریا نولاند (ما بعداً به او باز خواهیم گشت) متخصص اصلی اوکراین و «سخنان دلگرم‌کننده» جیک سالیوان، دستیار رئیس‌جمهور امریکا در امور امنیت ملی، که در سفر مخفیانه اخیر خود به کیف ایراد کرد و بیشتر به مراسم ترحیم شبیه بود.

او طی سخنان خود گفت: «ما مطمئنیم که روسیه شکست خورده است. روسیه قصد داشت چه کند؟ قصد داشت اوکراین را از روی نقشه پاک کند. خود ایده اوکراینی بودن را از تاریخ پاک کند. این دیگر شکست خورده است. در حمله به پایتخت اوکراین شکست خورد. زیرا، اوکراینی‌ها مقاومت کردند و از شهر خود دفاع کردند. روسیه نتوانست دولت منتخب دموکراتیک اوکراین را ساقط کند. نتوانست روحیه مردم اوکراین را بشکند. به این ترتیب، نقشه‌هایی که پوتین و روسیه در آغاز جنگ ترسیم کرده بودند، در حال نابودی هستند و هرگز محقق نخواهند شد.» نماینده کاخ سفید انگار روشن می‌کند که پیروزی به معنای عدم برافراشتن پرچم روسیه بر بالای رادای عالی اوکراین است و می‌گوید: «برای این کار، حداقل بگوئید از شما متشکریم.»

به این ترتیب، امریکائی‌ها با درک این موضوع که باید اوکراین را به زودی ترک کنند، تصمیم گرفتند تمام آثار جنایتکارانه خود را در اوکراین، از جمله، مشارکت مستقیم در آماده‌سازی و اجرای حملات راکتی به خاک روسیه، به کشتی‌های ناوگان بحیره سیاه و ساقط کردن هواپیمای ایل-۷۶، حامل اسیران اوکراینی و حملات تروریستی به پل کریمه را از بین ببرند.

اما مشکل اینجاست که سوزاندن اسناد و یا از بین بردن دائمی فایل‌ها در کمپیوترها در این مورد کافی نیست. همچنین باید از شر شاهدان زنده خلاص می‌شدند که اگر به دست نیروهای ما اسیر شوند، می‌توانند چنین مسائلی را بیان کنند. پس از آن نه آمریکا و نه انگلستان هرگز نمی‌توانستند آثار خود را پاک کنند.

من در مورد بودانوف، یرماک، زلنسکی و همکاران آن‌ها صحبت می‌کنم. همه آن‌ها باید حذف شوند. اما به دلایلی، عروسک‌گردانان غربی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند این کار را با دست خود انجام دهند. بدین سبب، یک نقشه حقه‌بازانه به فکرشان رسید تا این کار را با دست ما انجام دهند. عروسک‌های کیفی خود را مانند مورد جوهر دودایف در معرض حمله هدفمند راکت روسی قرار دهند. و برای انجام این کار لازم بود به همین حمله تروریستی دست بزنند تا رهبری عالی کشور ما مجبور شود فرمان نابودی سران تروریست‌های اوکراینی را صادر کند.

سازمان‌های اطلاعاتی غربی با علم به این که اداره کل اطلاعات وزارت دفاع اوکراین چندین گروه از تروریست‌های بالقوه در حال توسعه دارد، اجازه دادند تا یکی از آن‌ها را سریعاً آماده کند تا وقایع تقریباً به همین شکل پیش برود. (قاتل دستگیر شده در جنگل نزدیک بریانسک اظهار داشت که فقط یک ماه پیش با او تماس گرفته شد). انتخاب، به عهده مهاجرانی از آسیای مرکزی به این دلیل واگذار شد که حداقل برخی از آن‌ها قطعاً در اردوگاه‌های ویژه آموزش دیده بودند. (در یکی از ویدیوهای کروکوس می‌بینید که چگونه تیرانداز مانند «یک سرباز نیروی ویژه» حرکت می‌کند. کمی روی زانو خم شده و هنگام جست و جوی قربانی، مسلسل را مانند آماتور در جهات مختلف تاب نمی‌دهد. اما تمام بدن خود را می‌چرخاند و دائماً دیگران را زیر اسلحه نگه می‌دارد).

مدت‌هاست که در صفحه رسمی شبکه اجتماعی سفارت اوکراین در تاجیکستان دعوتنامه برای خدمت در لژیون موسوم به «لژیون دفاع خارجی اوکراین» منتشر شده است. هنگام بازجویی محمدصابر فیضوف، ۱۹ ساله، یکی از تروریست‌ها معلوم شد، او نمی‌تواند به زبان روسی صحبت کند و افراد ناشناس بلافاصله پس از ورود او به فدراسیون روسیه، مدارک لازم برای اقامت در روسیه را در فرودگاه در اختیار وی قرار دادند. این رویکرد امکان بازی با کارت داعش- ممنوعه در روسیه را فراهم کرد که از همان دقایق اول انتشار خبر، نسخه دست داشتن آن در حمله تروریستی توسط رسانه‌های غربی آغاز شد.

اتفاقاً یکی از جزئیات مهم. هریستو گروزف، روزنامه‌نگار تحقیقی و در واقع یکی از مأموران معروف سازمان «سیا»، یکی از اولین کسانی بود که رسماً در مورد ردپای داعش صحبت کرد. شبکه عامل خارجی «دژد» (ساختار مبتنی بر کمپیوترهای مستقیم سازمان‌های غیردولتی غربی)، با استناد به گروزف دروغ‌هایی را درباره داعش منتشر کرد. کمی بعد، «دژد» «اعترافات» جعلی اسلام‌گرایان را در کانال تلگرامی خود منتشر کرد. این، یک طرح کاملاً شناخته شده و بخوبی اثبات شده است.

هر آنچه لازم است در مورد رابطه داعش و اوکراین بدانید، توسط آمریکا شوپراد، نماینده سابق پارلمان اروپا از فرانسه در شبکه‌های اجتماعی بیان شده است.

این سیاستمدار با تأکید قاطع بر دخالت آمریکا در حمله تروریستی می‌نویسد: «آیا غزه در حال حاضر برای اسلام‌گرایان مهمتر از درگیری روسیه- اوکراین نبود؟ ظاهر این حمله، اسلام‌گرایانه است. اما، سازمان‌دهنده آن به احتمال قوی «سهم‌دار عمده» داعش و القاعده است».

و از آنجائی که دوباره صحبت آمریکا میان است، فراموش نکرده‌ایم که ویکتوریا نولاند یک ماه پیش، در آستانه استعفای خود گفت: «به لطف بودجه اضافی تخصیصی امریکائی‌ها به کییف، در آینده بسیار نزدیک پوتین قطعاً منتظر چند شگفتی ناخوشایند خواهد بود».

و همین چند روز پیش، دونالد ترامپ، نامزد اصلی ریاست جمهوری امریکا، آنچه را که «پایگاه» نامیده می‌شود، نشان داد و گفت که امریکا در واقع جزیره‌ای است دور از حوادث خونین اروپا، در یک «اقیانوس زیبا، بزرگ و فوق‌العاده» و از آن‌ها جدا شده است. به این ترتیب، مدعی اصلی ریاست کاخ سفید یک بار دیگر اعتقاد امریکائی‌ها به آسیب‌ناپذیری خود را بدون توجه به جنایاتی که مرتکب می‌شوند، تأیید کرد.

چند روز قبل از حمله تروریستی، بارک اوباما، رئیس‌جمهور سابق امریکا به دیدار ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس رفت. از قضا بی‌دلیل گمان نمی‌رود که در واقع امروز امریکا را او رهبری می‌کند نه بایدن.

کارشناسان غربی بلافاصله در مورد احتمال ارتباط بین این دیدار و رویدادهای بعدی در کراسنوگورسک صحبت کردند. در اینجا تنها به چند مورد از اظهارات آن‌ها اشاره می‌شود.

«خُب، اکنون می‌دانیم که هدف از بازدید اوباما از داونینگ استریت ۱۰ چه بوده است».

«باراک اوباما داونینگ استریت ۱۰ را ترک می‌کند. اوباما برای داعش در سوریه و عراق پوشش هوایی داد. این سفر برنامه‌ریزی نشده به انگلستان که تشکیلات اطلاعاتی آن از القاعده و شاخه‌های آن در سوریه و عراق پشتیبانی می‌کند، کمتر از یک هفته قبل از حمله ادعائی داعش در مسکو صورت گرفت».

«اتفاقی؟! ۴ روز پیش، اوباما برای دیدار خصوصی با سوناک در انگلستان بود. داعش امروز مسؤلیت حمله تروریستی مسکو را بر عهده گرفت. سازمان سیا و اوباما از داعش حمایت می‌کنند. سازمان سیا و ام‌آی-۶ نورد استریم را منفجر کردند».

«بازدید بارک اوباما از داونینگ استریت ۱۰ برای دیدار با ریشی سوناک در این هفته اکنون بسیار منطقی است. ما توسط دیوانه‌های روانی اداره می‌شویم».

و شاید مهم‌تر از همه نظری که من کاملاً با آن موافقم، صرف‌نظر از هدف واقعی سفر رعداسای اوباما، این باشد:

«اوباما با ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس برای صحبت خصوصی در لندن ملاقات می‌کند. دولت پنهان در حالت وحشت به سر می‌برد. پوتین به تازگی در انتخابات خود پیروز شد و پیش‌بینی می‌شود ترامپ نیز پیروز شود. آن‌ها باید عمل کنند. اوباما در حال برنامه‌ریزی و شرور بعدی در راه است».

بنابراین، اگر زنجیره تروریستی از پائین به بالا ردیابی شود، چیزی شبیه به این است:

تروریست‌های تاجیک توسط بودانوف، رئیس اداره کل اطلاعات وزارت دفاع اوکراین و با دستور ام‌آی-۶ استخدام می‌شود، سوناک، دستورات اوباما را اجراء می‌کند.

در ضمن، بعید نیست که این بار امریکائی‌ها بدون این که اهداف واقعی حمله تروریستی را به انگلیس‌ها توضیح دهند، تقریباً کورکورانه از آن‌ها استفاده کنند. همانطور که می‌دانید لندن به تشدید درگیری اوکراین به شدت علاقه‌مند است. انگلیس اخیراً بسته جدید کمک نظامی به اوکراین را اعلام کرد: بیش از ۷۵ میلیون دلار برای خرید پهپاد و بیش از ۲۵ میلیون دلار دیگر برای تأمین دستگاه‌های پدافند هوایی – و بنابراین، هر پیشنهادی برای پاشیدن نفت به آتش سوزان جنگ با خوشحالی مقامات انگلیس مواجه می‌شود، حتی بدون این که توجه داشته باشند که در نتیجه این، انگلیس‌ها ممکن است مهم‌ترین عوامل اوکراینی خود را از دست بدهند.

به هر حال، ممکن است اینطور نباشد. در نهایت، سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس علاقه کمتری به سکوت اوکراینی‌ها نسبت به همکاران امریکائی خود ندارند.

منبع: [بنیاد فر هنگ](#) ستراتیژیک

۹ فروردین- حمل ۱۴۰۳